

قواعد اقتصادی

چرا قواعد اقتصادی را همگشا هستند و چه زمانی با شکست روبرو می شوند

مترجم: ناصر آخوندی



انتشارات نسل روشن

بهار ۱۳۹۶

سرشناسه	رودریگ، دانی Rodrik, Dani
عنوان و نام پدیدآور	قواعد اقتصادی: چرا قواعد اقتصادی راهگشا هستند و چه زمانی با شکست روبرو می‌شوند اثر دانی رودریگ، مترجم ناصر آخوندی
مشخصات نشر	تهران: نسل روشن، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۰۰ ص: مصور.
شابک	۷-۱۲-۸۷۵۲-۶۰۰-۹۷۸-۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فبا
یادداشت	عنوان اصلی: Economics rules : why economics works, when it fails, and how to tell the difference, c۲۰۱۵.
عنوان دیگر	چرا قواعد اقتصادی راهگشا هستند و چه زمانی با شکست روبرو می‌شوند
عنوان دیگر	اقتصاد حکم می‌راند: صحت و سقم این علم ملال‌آور، اقتصاد چگونه کار می‌کند، چه زمانی شکست می‌خورد و چگونه تفاوت‌ها را روایت می‌کند
موضوع	اقتصاد ریاضی
موضوع	Economics, Mathematical
موضوع	اقتصاد -- روش‌شناسی
موضوع	Economics -- Methodology
موضوع	سیاست اقتصادی
موضوع	Economic policy
موضوع	اقتصاددانان
موضوع	Economists
شناسه افزوده	آخوندی، ناصر، ۱۳۰۲-، مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۶ ۱۷ الف ۱۳۵/۲
رده‌بندی دیویی	۳۳۰/۱۵۱۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۱۲۹۴۹

قواعد اقتصادی - چرا قواعد اقتصادی راهگشا هستند چه زمانی با شکست روبرو می‌شوند

انتشارات نسل روشن

شعله درویش قانع

ناصر آخوندی

علیرضا زمانی

آرمانسا

اول - ۱۳۹۶

۱۰۰۰ نسخه

۱۸۰،۰۰۰ ریال

۷-۱۲-۸۷۵۲-۶۰۰-۹۷۸

نام کتاب:

ناشر:

مدیر تولید و ناظر چاپ:

مترجم:

صفحه‌آرایی و طراحی جلد:

چاپخانه - صحافی:

نوبت چاپ:

شمارگان:

قیمت:

شابک:

WWW.NASLEROSHAN.IR

تهران - میدان انقلاب، مابین ۱۲ فروردین و منیرى جاوید، خیابان شهید نظری

پلاک ۱۳۰ - طبقه پنجم غربی . تلفن: ۶۶۹۵۰۵۳۲ - ۶۶۹۵۰۶۳۷؛ تلفکس: ۶۶۹۷۱۲۲۵

به نام خدا

انسان مثال گیاهی است که خشک شده و از بین می‌رود و تمام زیبایی‌های انسان نیز همچون گلی است که پژمرده می‌شود.

آری؛ گیاه خشک و پژمرده می‌شود و انسان نیز مانند گیاه از بین می‌رود اما تنها کلام، افکار و آثار او باقی می‌ماند.

انتشارات نسل روشن می‌داند که اثر است تا با ایجاد یک بستر مناسب در حمایت از مولفان و همچنین ماندگاری ایده‌ها، آثار و افکار آن‌ها با انتشار کتاب‌های ارزشمند که از سطح علمی مطلوبی برخوردار باشد به وظیفه‌ی انسانی و اعتقادی خود عمل کند تا بتواند اثری سازنده را به عنوان میراثی ناچیز برای نسل روشن باقی گذارد.

این کتاب براساس مطالب ارائه شده در کلاس‌های درس پرفسور دانی رودریک نگارش شده است. در این کتاب هدف مشخص کردن این نکته است که قدرت علم اقتصاد در نظریه‌پردازی در مفیاس‌های کوچک نیافته است، این یعنی شکلی از تفکر ساختارمند که علت و معلول را در واقعیات اجتماعی به وضوح مشخص می‌کند. هدف دیگر در این کتاب بررسی اقتصاد به عنوان یکی از علوم انسانی است. در نظر اساتید علوم انسانی همچون مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و علوم سیاسی، اقتصاددان‌ها معمولاً اشخاصی هستند که یا امری بدیهی را عنوان کرده و یا اینکه جارجوب‌های بسیار ساده‌ای را برای پدیده‌های پیچیده‌ی اجتماعی در نظر می‌گیرند. از طرف دیگر در نظر اقتصاددان‌ها انسان‌ها در تحقیقات خود نظم کاری مشخصی نداشته، و معمولاً فاقد شواهد و تحلیل تجربی هستند. از دید اقتصاددان‌ها، آن‌ها می‌دانند که برای رسیدن به نتیجه چگونه باید تفکر کنند، با نگاهی به علوم اجتماعی دیگر، خواهیم دید که می‌توان بسیاری از روندهای استفاده شده در علوم اجتماعی را با نوع استدلال تحلیلی موجود در اقتصاد و شواهدی که روش‌های علمی این علم را تشکیل می‌دهند، بهبود بخشید.

همواره این نقد به اقتصاددان‌ها را می‌شنیده که آن‌ها به مدل‌های خود اطمینان بیش از حدی دارند و به فرایندهای اجتماعی که مدل مذکور در آن استفاده شده است، چینی نمی‌کنند. با این حال سوءتعبیرهای زیادی هم در مورد اقتصاد و اقتصاددان‌ها وجود دارد. در این کتاب، این شواهد را می‌خواهد بداند چرا مدل‌های اقتصادی مختص شرایط خاصی هستند و یا اینکه چرا باید این مدل‌ها حاوی فرضیات ساده‌کننده‌ای باشند.

با همه‌ی این اوصاف، اقتصاددان‌ها تنها باید خود را برای شرایط نامطلوب و نگاه نادرست دیگران مورد سرزنش قرار دهند. مشکل تنها وابستگی به یک مدل خاص در نگاه به جهان نیست بلکه افتخار دادن‌ها حتی در ارائه‌ی نتایج کاری خود به دیگران هم ضعیف عمل می‌کنند. بخش بزرگی از این کتاب وقف این مسئله شده است که نشان دهد اقتصاد شامل باره‌ی بزرگی از جارجوب‌های مختلف است، که هر کدام تفسیر متفاوتی را از نحوه‌ی کارکرد جهان داده و اثرات متفاوتی را بر سیاست‌گذاری‌های عمومی پیش‌بینی می‌کند. با این حال آنچه یک فرد معمولی از یک اقتصاددان می‌شنود بیشتر شبیه بیانیدای برای اعلام بروزی بازارها، تفکر منطقی و رفتاری خودخواهانه است.

۹	مقدمه: استفاده درست و نادرست از ایده های اقتصادی
۱۹	فصل اول: مدل ها چه کار انجام می دهند؟
۵۷	فصل دوم: علم و هنر سازی اقتصادی
۸۷	فصل سوم: حرکت از بیرون مدل ها
۱۱۳	فصل چهارم: مدل ها و نظریه ها
۱۳۹	فصل پنجم: اقتصاد دان ها چه زمانی اشتباه می کنند
۱۷۱	فصل ششم: اقتصاد و منتقدان آن
۲۰۱	فصل هفتم: تئوری بازی ها: مفاهیم اولیه
۲۲۷	فصل هشتم: اقتصاد زیستی آلفرد مارشال و تشابهات مکانیکی

مقدمه. استفاده درست و نادرست از ایده های اقتصادی

در جولای ۱۹۴۴، نمایندگان چهل و چهار کشور جهان در تفریحگاه برتون وودز^۱ نیوهمپشایر^۲ گرد هم آمدند تا ساز و کاری تازه را برای نظام اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم معرفی کنند. بعد از سه هفته بحث و گفت و گو، اصول اساسی سیستمی نوین برای اقتصاد معرفی شد که تا سه دهه بعد نظام حاکم بر اقتصاد جهان بود. این سیستم اساساً حاصل همکاری دو اقتصاددان برجسته بود: مغز اقتصادی انگلستان، جان مینارد کینز؛ و مسئول خزانه داری ایالات متحده، هری دکستر وایت. کینز و وایت دو مسائل مختلف با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، به ویژه در جاهایی که بحث بر سر منافع ملی پیش می آمد. با نقلی مشترک بین این دو، چارچوب ذهنی بود که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود. هدف آن ها پیشگیری از وقوع تغییرات ناگهانی بود که در سال های قبل از جنگ رخ داده بود، این شامل «ارز ملایم و رکود بزرگ»^۳ بلافاصله بعد از آن می شود. آن ها بر سر این نکته توافق کردند که رسیدن به چنین هدفی نیازمند اجرای راهکارهایی مانند تعیین نرخ های تبادل ارز ثابت و در برخی موارد تأمین آزاد کردن تجارت جهانی و در عین حال اعمال محدودیت در جریان سرمایه؛ گسترش «برزهی پول ملی و

^۱ Bretton woods

^۲ New Hampshire

^۳ رکود اقتصادی ناشی از سقوط ارزش سهام در ایالات متحده که در سپتامبر ۱۹۲۹ آغاز شده و تا اکتبر همان سال تبدیل به پدیده ای جهانی شد

سیاست‌های مالی؛ و همکاری بهتر از طریق دو آژانس جدید جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌الملل به منظور بازسازی و توسعه است (سازمانی که بعدها تحت عنوان بانک جهانی شناخته شد).

رژیم کینز وایت موفقیت قابل ملاحظه‌ای داشت. این سیستم عصری از رشد اقتصادی و پایداری را برای بازارهای اقتصادی پیشرفته و همچنین برخی کشورهای تازه استقلال یافته به ارمغان آورد که پیشتر مانند آن هائیده نشده بود. این سیستم در نهایت در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی و با رشد سوداگرانه‌ی جریان سرمایه که البته در مورد آن هشدار داده شده بود، کنار گذاشته شد. اما این سیستم همچنان به عنوان استاندارد برای مهندسی موسسات جهانی به بقای خود ادامه داد. در هر تغییر ناگهانی در اقتصاد جهانی، درخواست اصلاح‌طلبان یک "اجلاس برتون وودز" تازه است!

ویلیام ویکری^۱، اقتصاددان دانشگاه کلمبیا در ۱۹۵۲، سیستم جدید را برای قیمت‌گذاری سفرهای درون شهری مترو شهر نیویورک معرفی کرد. او پیشنهاد داد که قیمت بلیت در زمان اوج سفرها در بخش‌های دارای ترافیک بالا افزایش و در زمان‌ها و بخش‌های دیگر کاهش داده شود. این سیستم "قیمت‌گذاری براساس تراکم سفر"^۲ چیزی جز اعمال اصول عرضه-تقاضا در حمل و نقل عمومی نبود. اعمال کرایه‌های متفاوت برای مسافرانی که زمان بیشتری در اختیار داشتند، این انگیزه را ایجاد می‌کرد که از زمان اوج میزان سفرها دوری کنند. به این صورت تراکم

^۱ William Vickrey

^۲ Congestion pricing

سفرها در یک بازه زمانی توزیع شده و فشار بر روی سیستم کاهش می یابد، به این شکل حتی امکان افزایش تعداد مسافری هم به وجود می آید. ویکری بعدها سیستمی مشابه را برای جاده ها و ترافیک خودرویی پیشنهاد داد. با این حال بسیاری از صاحب نظران در آن زمان گمان می کردند که ایده های او ناپرخدانه بوده و جواب نمی دهند.

سنگاپور اولین کشوری بود که سیستم قیمت گذاری تراکمی را به آزمایش گذاشت. با آغاز سال ۱۹۷۵، رانندگان در سنگاپور باید هزینه ای را برای ورود به مرکز تجاری شهر پرداخت می کردند. این سیستم در سال ۱۹۹۰ به مدیر به باجه های الکترونیک شد که امکان دریافت نرخ های متفاوت را براساس میانگین ترافیک عبور ایجاد می کرد. این سیستم، تراکم ترافیک در سنگاپور را کاهش داده، باعث استفاده بیشتر از وسیله نقلیه عمومی شده و در عین حال میزان انتشار کربن را هم کاسته و درآمد بیشتری برای مسئولین اداره ی شهر ایجاد کرده است. موفقیت چنین سیستمی انگیزه ای برای شهرهایی مانند لندن، میلان و استکهلم شد تا این سیستم را با تغییرات مختلف اجرایی کنند.

در ۱۹۹۷، سانتیاگو لوی^۱، استاد اقتصاد در دانشگاه بوستون و معاون وزیر اقتصاد، مکزیک، تلاشی را برای تغییر و بهبود راهکارهای فقرزدایی دولت آغاز کرد. برنامه های موجر غالباً شامل کمک به فقرا به صورت یارانه ای غذا بود. لوی این بحث را پیش کشید که این برنامه ها بی تاثیر بوده و بازده کمی دارند. عقیده ی رایج در اقتصاد اینگونه بیان می کند که در هنگام مواجه با مساله ی

رفاه در قشر فقیر، پرداخت مستقیم به صورت نقدی تاثیر بیشتری از اختصاص یارانه در برخی کالاهای مشخص دارد. علاوه بر این، لوی باور داشت که می‌تواند از این پرداخت‌های نقدی به عنوان اهرمی برای بهبود بازده سلامت و آموزش استفاده کند. پرداخت به مادران انجام می‌شد؛ در عوض، آن‌ها باید تضمین می‌کردند که فرزندانشان در مدرسه بوده و خدمات سلامت را دریافت می‌کنند. به زبان اقتصادی، این برنامه انگیزه‌ای را به مادران می‌داد تا بر روی فرزندان خود سرمایه‌گذاری کنند. بر سر اصل (که بعدها تحت عنوان آپورتونیدادس^۲ و پروسپرا^۳ نام گرفت) اولین برنامه‌ی پرداخت به شرط (CCT) بود که در کشوری در حال توسعه ایجاد شده بود. با توجه به برنامه‌ریزی برای معاف شدن از این برنامه، لوی همچنین یک طرح اجرایی ابتکاری را معرفی کرد که امکان ارزیابی دقیق میزان موفقیت طرح را می‌داد. همه‌ی این‌ها بر مبنای اصول ساده‌ی اقتصاد بودند، اما انقلابی در تفکر سیاست‌گذاران در مورد برنامه‌های فقرزدایی ایجاد کردند. با ایجاد نتایج مثبت، این برنامه تبدیل به قالب برای کشورهای دیگر شد. بیش از دوازده کشور آمریکای لاتین، مانند برزیل و شیلی در نهایت برنامه‌ی مشابه را اجرایی کردند. یک برنامه‌ی آزمایشی پرداخت نقدی مشروط حتی در نیویورک و در زمان شهردار می‌مایکل بلومبرگ^۴ اجرا شد.

^۱ Progresa - نام لاتین برنامه اقتصادی یاد شده

^۲ Oportunidades

^۳ Prospera

^۴ Michael Bloomberg

مثال های بیان شده، سه ایده ی اقتصادی در سه حوزه ی مختلف در اقتصاد هستند: اقتصاد جهانی، حمل و نقل شهری، و مبارزه علیه فقر. در هر مورد، اقتصاددان ها بخشی از جهان ما را با ایجاد چارچوب های ساده ی اقتصادی در مسائل عمومی، بازسازی کردند. این مثال ها بهترین کارکردهای اقتصاد را نشان می دهند. البته مثال های دیگری هم هستند: تئوری بازی ها در اجرای مناقصه ی جهت زات رادیویی برای ارتباط از راه دور مورد استفاده قرار گرفته است؛ مدل های طراحی بازار در حفره ی پزشکی برای تخصیص رزیدنت های پزشکی به بیمارستان ها کمک کرده اند؛ مدل های مربوط استانه در سازمان های صنعتی باعث ایجاد سیاست های رقابتی و ضد انحصار شده اند؛ و پیشرفدها در اقتصاد کلان باعث اتخاذ سیاست های ضد تورمی گسترده توسط بانک های مرکزی و سرانجام جهان شده اند. هر زمان که اقتصاددان ها مشکلات را درست دریابند، جهان جای بهتری شده است.

اما همانطور که بسیاری از مثال های این کتاب نشان می دهد داد اقتصاددان ها اغلب اوقات با شکست هم مواجه می شوند. هدف من از تالیف این کتاب توضیح این مساله است که چرا اقتصاددان ها در برخی اوقات درست عمل کرده و در بعضی موارد مسیر اشتباه را طی می کنند. "مدل ها" به عنوان چارچوب های ریاضی که معمولاً برای ایجاد ساختار منطقی توسط اقتصاددان ها به منظور توضیح پدیده های اقتصادی استفاده می شوند- قلب این کتاب را تشکیل می دهند. مدل ها هم نقطه ی قوت اقتصاد هستند و هم چشم اسفندیار آن؛ در عین حال آن ها همچنین همان عنصری هستند که اقتصاد را به علم تبدیل می کنند- نه علمی مانند فیزیک کوانتم یا زیست شناسی ملکولی، اما به هر حال علم.

به جای تکیه بر یک مدل مشخص، اقتصاد شامل مجموعه‌ای از مدل‌ها می‌شود. این رشته از طریق کتابخانه‌ای از مدل‌های خود و نگاشت این مدل‌ها بر واقعیت توسعه میابد. تنوع مدل‌ها در اقتصاد عنصر لازمی است که انعطاف‌پذیری مورد نیاز در این علم اجتماعی را بوجود می‌آورد. شرایط اجتماعی مختلف نیازمند مدل‌های مختلف هستند. اقتصاددان‌ها احتمالا هیچ‌گاه یک مدل کلی برای همه‌ی اهداف اقتصادی پیدا نمی‌کنند.

اما، تا حدی به خاطر اینکه اقتصاددان‌ها، اقتصاد را علمی مانند دیگر علوم طبیعی در نظر می‌گیرند، تمایل دارند که از این مدل‌ها استفاده‌ی نادرست داشته باشند. آنها در معرض این اشتباه هستند که یک مدل را مانند مدل تئران‌شمولی که در همه‌ی شرایط درست است مورد استفاده قرار دهند. اقتصاددان‌ها باید بر چنین بسته‌هایی فائق آیند. آنها باید مدل‌های خود را با دقت و متناسب با شرایط انتخاب کنند. آنها باید یاد بگیرند که چگونه بین انواع مدل‌ها، متناسب با شرایط، حرکتی سیال‌گونه داشته باشند.

این کتاب هم در بزرگداشت اقتصاد و هم در نقد آن برآمده است. من انجمن‌های اصلی این رشته دفاع می‌کنم - این که مدل‌های اقتصادی در ایجاد دانش، نقشی کلیدی دارند - اما در عین حال شیوه‌ای را که اقتصاددان‌ها معمولا در پیش می‌گیرند و از مدل‌های خود استفاده‌ی نادرست می‌کنند مورد نقد قرار خواهم داد. بحث‌هایی که من ارائه می‌دهم "بینش حزبی" نیست. حدس من این است که بسیاری از اقتصاددان‌ها با نحوه‌ی برخورد من با این رشته موافق نیستند، به ویژه با دیدگاه‌های من در مورد اینکه اقتصاد چه نوع علمی است.

من در بحث‌های خود با دانشمندان علوم اجتماعی دیگر در مورد اقتصاد، اغلب دچار سردرگمی شده‌ام. بسیاری شکایت‌ها به خوبی شناخته شده است: اقتصاد ساده‌نگر بوده و از رشته‌های دیگر خود را جدا می‌کند؛ اقتصاد با ادعای جهانی سازی، نقش فرهنگ، تاریخ و دیگر شرایط پیش‌زمینه را نادیده می‌گیرد؛ اقتصاد صرفاً جنبه‌ی مادی بازار را برجسته می‌کند و شامل بسیاری قضاوت‌های ضمنی است؛ علاوه بر این موارد، در توضیح و پیش‌بینی، اقتصاد دچار شکست می‌شود. هر کدام از این نقدها بیشتر به این خاطر است که اقتصاد در واقع به صورت مجموعه‌ای از انواع مدل‌ها، عاری از هیچ‌یک از این ویژگی‌ها، شناخته نمی‌شود. البته ناتوانی اقتصاددان‌ها در انعکاس تنوع موجود در جامعه حرفه‌ای، تقصیر را گردن آن‌ها می‌اندازد.

یک نکته دیگر هم باید مشخص شود. اصطلاح "اقتصاد" به دو صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک تعریف بر حوزه‌ی مورد مطالعه دلالت دارد؛ در این تفسیر، اقتصاد یک علم اجتماعی است و نحوه‌ی کارکرد آن در حوزه‌ی علوم اجتماعی مشخص نمی‌شود. اما تعریف دوم بر روش‌ها دلالت دارد: اقتصاد راهی برای مطالعه‌ی علوم اجتماعی است، که ریشه در آن از ابزارهای خاصی استفاده می‌شود. در این تفسیر، این رشته به تجهیزات معمول برای مدل‌سازی و تحلیل آماری مجهز است، و در آن صرفاً از یک نظریه یا فرضیه‌ی خاص استفاده نمی‌شود. بنابراین، روش‌های اقتصادی را می‌توان به حوزه‌های غیر از اقتصاد هم بسط داد- این، همه‌ی مسائل از تصمیمات درون یک خانواده تا پرستی در مورد سازمان‌های سیاسی را در بر می‌گیرد.